ادامه از صفحه اول

سازمانی به عمق روان

اقدام مهم دیگری که سال‌های گذشته توسط نظام انجام شده، تعیین تعرفه‌هاست که به تفکیک تهران، مراکز استان و سایر شهرستان‌ها در سایت سازمان در دسترس عموم است. آمار معتبری در دست نیست که تعرفه‌های مصوب، تا چه اندازه رعایت می‌شوند، ولی احتمالا در تهران و کلان‌شهرها، تعرفه‌های بیشتری دریافت می‌شود. با توجه به نرخ تورم در شش‌ماهه دوم سال جاری شاید لازم باشد در ابتدای سال ۹۸ تعرفه‌های جدید سریعا اعلام شود تا زمینه تخطی از تعرفه‌ها از بین برود. ضمن اینکه برخی از مراکز استان‌ها به عنوان کلان‌شهر نیاز به تعرفه‌های متفاوتی دارند. در صورتی که تعرفه‌های بخش‌های دولتی و مراکز مشاوره دانشجویی نیز مشخص شود، تعرفه‌گذاری انحصاری نظام در حوزه سلامت روان نمود عینی خواهد یافت. در پایان لازم است بر دو نکته تأکید شود. نکته اول اینکه وضعیت اقتصادی-اجتماعی کشور به گونه‌ای است که احتمال می‌رود نرخ اختلالاتی نظیر انواع افسردگی‌ها، مشکلات ارتباطی و انواع اضطراب‌ها و حتی اختلالات مزمنی نظیر اسکیزوفرنی افزایش یابد. از این رو نظام روان‌شناسی و مشاوره می‌تواند ارائه خدمات روان‌شناختی را به شکلی فراگیرتر، علمی‌تر و اثربخش‌تر فراهم کند. آشکارا آماده‌نبودن تشکیلات نظام، بر شیوع و بروز اختلالات روان‌شناختی خواهد افزود. نکته دوم نحوه تعامل نظام با دیگر ذی‌نفعان و خصوصا تشکیلات مشاوره و خدمات روان‌شناختی سازمان بهزیستی است. بدیهی است شرایط اجتماعی کشور ایجاب می‌کند که نظام با سازمانی که سال‌هاست به عموم مردم خدمات روان‌شناختی ارائه کرده است، تعامل سازنده‌ای ایجاد کند.

ادامه از صفحه ۲

موقعیت ژئوپلیتیک سیستان‌وبلوچستان

براساس‌این این انتظار می‌رود که در آینده بر اهمیت کرانه‌های مکران و به موازات آن موقعیت استراتژیک سیستان‌وبلوچستان افزوده شود. گذشته از این عربستان سعودی و کشورهای عرب صاحب نفت حوزه جنوبی خلیج فارس در یک نگاه آینده‌نگرانه در حال برنامه‌ریزی برای دوران پسانفت هستند و از همین حالا در اندیشه سرمایه‌گذاری در بخش‌های صنعتی، تأسیسات بندری و حتی کشاورزی در دو بخش مستعد جنوب آسیا و آسیای میانه برآمده‌اند. مسیر ارتباطی کشورهای عرب حوزه خلیج فارس برای دسترسی آسان به این دو حوزه اقتصادی از کرانه‌های مکران، بلوچستان پاکستان و ایران می‌گذرد. از این‌رو تصور می‌شود که در آینده و پسااقتصاد نفت در حوزه خلیج فارس، تجارت و بازرگانی و سرمایه‌گذاری در حوزه‌های اقتصادی متنوع‌تری که دنیای عرب بتواند بقای اقتصادی خود را تضمین کند، از سیستان‌وبلوچستان عبور کند و این خود بر اهمیت ژئوپلیتیک این منطقه خواهد افزود. به عبارت روشن‌تر موقعیت کرانه‌ای دریای مکران در بلوچستان ایران و پاکستان دارای اهمیت ژئواکونومیک خواهد شد که به نوبه خود در معادلات ژئوپلیتیک قادر به ایفای نقش خواهد بود.با درک همین اهمیت راهبردی بودن سیستان‌وبلوچستان در هر دو حالت بحری و بری بودن آن است که توافق‌های چندجانبه برای بهره‌گیری از این موقعیت بین ایران و پاکستان از یک‌سو با هندوستان و چین برای فعال‌کردن دو بندر چابهار و گوادر صورت گرفته و از سوی دیگر ایران، هند و افغانستان در حال عملیاتی‌کردن توافق سه‌جانبه هستند از این‌رو می‌توان پیش‌بینی کرد کرانه‌های مکران و مسیر ارتباطی سیستان‌وبلوچستان در دو زمینه مشخص‌تر با کارکرد دوگانه‌ای روبه‌رو شوند.

۱)توسعه خطوط ارتباطی جاده‌ای و ریلی که چابهار را به افغانستان و آسیای میانه پیوند دهد.

۲) فعال‌سازی خطوط انرژی، نفت و گاز که انرژی دو حوزه خلیج فارس و دریای خزر را به بازارهای مصرف عمده در شرق و جنوب آسیا برساند.

سرمایه‌گذاری‌های لازم در این هر دو بخش در حال تکمیل است و در کلیت آن تفاوتی نخواهد کرد که از مسیر کرانه پاکستان مکران عملیاتی شود یا از کرانه ایرانی آن. افزون بر این یک توافق سه‌جانبه دیگری بین هند، ایران و روسیه برای فعال‌سازی خط ترانزیت شرق به غرب حاصل شده است که هندوستان را از مسیر ایران به روسیه، اروپای شرقی و غربی پیوند می‌دهد که زمان حمل‌ونقل کالا و هزینه‌های آن را تا ۳۰ درصد کاهش خواهد داد و زیرساخت‌های جاده‌ای و ریلی آن در حال تکمیل است. این توافق نیز بر اهمت ژئوپلتیک چابهار در آینده خواهد افزود.درهرحال با توجه به مجموعه این‌گونه واقعیت‌هاست که می‌توان گفت سیستان‌وبلوچستان که در چند سده گذشته به‌صورت فاجعه‌ای منزوی و درگیر چالش‌های متنوع باقی مانده بود و نقش تاریخی ارتباط‌دهنده‌اش را از دست داده بود، در شرایط نوین منطقه‌ای و بین‌المللی در کانون توجه قرار گرفته و انتظار می‌رود با عملیاتی‌کردن پروژه‌های در دست اقدام بتواند اصلی‌ترین فرصت خود را که نقش ترانزیتی و پیونددهنده افغانستان، آسیای میانه به جنوب آسیا و حوزه خلیج فارس از یک طرف و خاورمیانه و حوزه خلیج فارس به آسیای میانه و افغانستان از طرف دیگر است، بازیابد و خود نیز از انزوا خارج شده و در روند توسعه ملی قرار گیرد.

پشت‌پرده یک سند مهم در همایش دیروز پرده‌برداری شد

دستور روحانی برای انتقال آب خزر به سمنان

تأمین سالانه ۲۰۰ میلیون مترمکعب آب برای سمنان، ۲۰ هزار میلیارد تومان برای ایرانیان آب می‌خورد

لیلا مرگن: با وجود آنکه کارشناسان بین‌المللی بر تبعات منفی اجرای پروژه‌های انتقال آب تأکید دارند و بر اساس معیارهای یونسکو، ضوابط سخت‌گیرانه‌ای برای انتقال آب در نظر گرفته شده است، ایران کارگاه بزرگی برای اجرای پروژه‌های انتقال آب است. پروژه انتقال آب شیرین‌شده خزر به سمنان که تعیین ردیف برای آن در اعتبارات بودجه سال ۹۸، در میان مردم مازندران با نارضایتی گسترده مواجه شده است، پروژه‌ای است که کارشناسان حاضر در نشست «انتقال آب از دریای خزر؛ فرصت‌ها و چالش‌ها» هیچ توضیحی درباره ضرورت اجرای آن نمی‌دهند. فقط مطرح می‌شود که بر اساس یک سند بالادستی، سمنان با کمبود آب مواجه است و البته رئیس‌جمهور دستور داده که آب به سمنان منتقل شود! بر اساس برآوردهای سال ۹۶، بیش از پنج هزار میلیارد تومان برای انتقال آب شیرین‌شده خزر از یک سوی کوه به آن سوی دیگر، هزینه خواهد شد. این در حالی است که با تغییرات نرخ دلار، حالا باید نزدیک به ۲۰ هزار میلیارد تومان برای ایجاد ایستگاه‌های پمپاژ متعدد و انتقال آب در یک مسیر ۱۶۰ کیلومتری کوهستانی هزینه کنیم، اما کسی به این پرسش پاسخ نمی‌دهد که کدام ضرورت سبب می‌شود با صرف هزینه از جیب ملت، آب گران به سمنان منتقل شود.

در صبح یکی از روزهای سال ۸۹، همان روزهایی که هنوز محمود احمدی‌نژاد رئیس‌جمهور ایران بود، کلنگ پروژه انتقال آب خزر به سمنان به زمین زده شد و قرار شد آب شیرین‌شده خزر برای تأمین نیازهای زادگاه رئیس‌جمهور وقت به سمنان منتقل شود. بعد از اعلام اجرای پروژه مطالعاتی انتقال آب خزر به سمنان، حسن روحانی، رئیس‌جمهور فعلی، هم در اقدامی که برای ایران نادر به حساب می‌آید، مصوبه دولت قبلی را روی زمین نگذاشت و در جمع مردم سمنان خبر از حل‌شدن تمام مشکلات بحث انتقال آب خزر به سمنان داد. خبری که دیروز در نشست «انتقال آب از دریای خزر، فرصت‌ها و چالش‌ها» که در مؤسسه تحقیقات آب برگزار شد، صحت آن تا حدود زیادی زیر سؤال رفت، زیرا کارشناسان حاضر در نشست، حتی مکان‌یابی محل استقرار آب‌شیرین‌کن این ابرپروژه را که پول زیادی از جیب ملت صرف آن خواهد شد زیر سؤال بردند.

انتقال آب با دستور رئیس‌جمهور

صدیقه ترابی، مدیرکل دفتر برنامه‌ریزی کلان آب و آبفای وزارت نیرو، به‌عنوان نماینده این وزارتخانه به انتقاد حاضران در نشست دیروز، درباره اجرای پروژه‌ای گران - که نسبت به ضرورت آن هم تردید جدی وجود دارد - جواب دردناکی داد. او گفت: «رئیس‌جمهوری که ما انتخاب کردیم، تصمیم گرفته است که آب خزر به سمنان منتقل شود».

اگرچه ما رئیس‌جمهوری انتخاب نکردیم که بدون توجه به نظرات کارشناسی و ملاحظات اقتصادی، آب برای زادگاهش منتقل کند، اما ترابی عنوان کرد: در سایر نقاط جهان و حتی کشورهای پیشرفته هم گاهی مسئله انتقال آب بین‌حوضه‌ای به‌عنوان یک مسئله چالشی، صرفا با نظرات کارشناسی انجام نمی‌شود.

به گفته این مقام مسئول، در ایران پیچیدگی‌های تصمیم‌سازی برای یک پروژه به دلیل درخواست‌های مجلس و دیگر مناسبات، کار بسیار پیچیده‌تری خواهد بود، اما وزارت نیرو هم در مقابل دستورات ساکت ننشسته است.او اضافه کرد: وزیر نیرو به رئیس‌جمهور اعلام کرده است، اگرچه شرکت توسعه منابع آب و نیروی ایران (آب‌نیرو) مطالعات طرح انتقال آب خزر به سمنان را انجام داده، اما وزارت نیرو هنوز مصوبات سطح سه خود را انجام نداده است و ما این طرح را تصویب نکرده‌ایم. بحث پساب حاصل از آب‌شیرین‌کن مهم‌ترین مسئله‌ای بود که مطرح شده بود، به همین دلیل آب‌نیرو آزمایشگاهی ترتیب داد که تولید آب نمک‌زدایی‌شده با پساب صفر را بررسی کند و ببیند آیا می‌توان این طرح را با چنین مشخصاتی اجرا کرد یا خیر.ترابی همچنین از نبود اطلاعات کافی در زمینه مسائل محیط‌زیستی منطقه انتقاد کرد و افزود: در هیچ جای دنیا صرفا با اجرای یک پروژه مخالفت نمی‌کنند؛ بلکه گاهی برای اجرا شرایطی می‌گذارند که در نهایت مجری به این نتیجه برسد که اجرای چنین طرحی صرفه اقتصادی ندارد.او در واکنش به اعتراضات مطرح‌شده در زمینه عدم بازچرخانی آب در استان پذیرنده یعنی سمنان بیان کرد: ما هم به مدیریت مصرف فکر می‌کنیم؛ اما خواهش می‌کنم برگردیم و ببینیم که چقدر در این مسیر موفق بوده‌ایم. ببینیم در بخش مدیریت مصرف که به زبان می‌آوریم، در عمل چقدر موفق بوده‌ایم.البته مدیرکل دفتر برنامه‌ریزی کلان آب و آبفای وزارت نیرو به این ابهام پاسخ نداد که تا کجا و چه زمانی نسخه کارشناسان وزارت نیرو محدود به پروژه‌های انتقال آب خواهد شد و چرا ملت با اجرای پروژه‌های سنگین انتقال آب، توان ناتوانی و ناکارآمدی در حوزه بازچرخانی آب را باید پرداخت کند.

آب گرانی که توجیه اقتصادی ندارد

محمد رهبری، مجری سابق طرح مطالعات نمک‌زدایی و انتقال آب از دریای خزر به فلات مرکزی، در این نشست توضیح داد: خط انتقال آب خزر به سمنان از کنار مسیر عبور نفت به طول ۱۶۰ کیلومتر اجرا خواهد شد و با توجه به بازشدن مسیر خط انتقال گاز دامغان به ساری می‌توان مسیر اقتصادی‌تری برای طرح تعریف کرد.او گفت: آب قرار است از ارتفاع منهای ۲۷ متر به ارتفاع بیش از دو هزار متر منتقل شود. به نرخ سال ۹۶ و قبل از گران‌شدن نرخ ارز، هزینه اجرای پروژه پنج‌هزارو صد میلیارد تومان برآورد شده بود. بسته به محل تأمین اعتبار اجرای پروژه هم هزینه هر مترمکعب آب شیرین‌شده متفاوت است. اگر از محل بودجه عمومی کشور اعتبارات پروژه تأمین شود، هر مترمکعب آب سه هزار تومان هزینه دارد. از محل فاینانس و صندوق توسعه ملی چهارهزارو ۲۰۰ تومان و تأمین مالی از بورس با بهره ۲۰ درصدی، پنج‌هزارو ۷۰۰ تومان براساس نرخ‌های سال ۹۶ هزینه تمام‌شده هر مترمکعب آب شیرین‌شده خواهد بود.وحید چگینی، رئیس کمیسیون تخصصی پرورش ماهی در دریای سازمان شیلات با تأکید بر اینکه برداشت آب از دریای خزر منجر به خشکی این دریاچه نمی‌شود و مقایسه خزر و ارومیه با یکدیگر اقدام درستی نیست، بر تجدید نظر در زمینه محل استقرار آب‌شیرین‌کن این پروژه -که منطقه نکا انتخاب شده است- تأکید کرد.

او یادآور شد: از برهم‌خوردن تعادل طبیعت به‌راحتی نمی‌توان گذشت. به‌هرحال اجرای مسیر پروژه انتقال، برای طبیعت مسئله‌ساز خواهد شد. در بحث بستر دریا و انتقال رسوب، باید مطالعات دقیق انجام شود.به اعتقاد چگینی که ریاست پژوهشکده اقیانوس‌شناسی را هم در کارنامه دارد، بهترین دریا برای اجرای پروژه انتقال آب، دریای عمان است و فقط در شرایط ضروری باید به انتقال آب از خزر توجه شود.عزیز عابسی، عضو هیئت علمی دانشگاه صنعتی نوشیروانی بابل، نیز اجرای پروژه گران انتقال آب خزر به سمنان را بدون مشابه در دنیا توصیف کرد و افزود: در دنیا برای اجرای چنین پروژه‌های گرانی سال‌های زیادی مطالعه انجام می‌شود؛ اما در ایران این‌گونه نیست.او با اشاره به کمبود آب در استان‌های مازندران و گلستان، تبعات اجتماعی انتقال آب خزر به سمنان را بسیار گسترده توصیف کرد.عابسی ادامه داد: براساس کدام مطالعه آب گران باید به سمنانی منتقل شود که محصولات بسیار آب‌بر شامل گرمک و طالبی و... در آن تولید می‌شود و این محصولات به دیگر استان‌ها ازجمله مازندران صادر می‌شود؟

متأسفانه در نشست دیروز درباره اینکه براساس کدام ضرورت تصمیم گرفته شده است که آب شیرین‌شده خزر به سمنان منتقل شود، هیچ سندی ارائه نشد. فقط در سخنان محمد رهبری به سند بالادستی برای سمنان به صورت گذرا استناد شد که معلوم نیست این سند بالادستی بر چه اساسی نوشته شده است. بیش از ۴۰ سال است که دولت‌های مختلف در حال تدوین سند آمایش سرزمین هستند؛ اما هنوز از این سند رونمایی نشده است. براساس سند آمایش سرزمین، برنامه‌های توسعه و اسناد بالادستی برای استان‌های مختلف با تکیه بر پتانسیل‌های طبیعی آنها نوشته می‌شود. به‌راستی درحالی‌که سند آمایش سرزمین نداریم، سند بالادستی استان خشک سمنان براساس کدام شاخص‌ها، معیارها و پتانسیل‌های دست‌ودل‌بازانه توسعه صنعت، کشاورزی و جمعیت را برای این استان در افق ۱۴۰۰ پیش‌بینی کرده است؟

بازخوانی یکی از معروف‌ترین پرونده‌های بانک سرمایه

اختلاس ۱/۵ هزارمیلیاردی «عابربانک فوتبال»

عکس: امین جلالی، ایرنا

مرضیه امیری: اولین جلسه رسیدگی به اتهامات حسین هدایتی و ۱۰متهم دیگر پرونده پول‌شویی در جریان تخلف مالی بانک سرمایه روز گذشته برگزار شد. هدایتی؛ متهم ردیف اول این پرونده با تبانی با مدیران بانک سرمایه ۵۸۶ میلیارد تومان از وجوه این بانک را خارج کرده و هزار و ۵۰۰ میلیاردتومان به بانک سرمایه بدهکار است و ۱۰متهم دیگر کسانی هستند که در این مسیر به‌عنوان «همدست» هدایتی شناسایی شده‌اند. متهمان دیگر پرونده برچسب‌هایی مانند کارآفرین، ثروتمند، کارخانه‌دار و ازاین‌دست عناوینی که روزی به حسین هدایتی نسبت داده می‌شد، ندارند. آنها خانه‌دار، راننده تاکسی، کارگر و پیک موتوری هستند؛ کسانی که از حسین هدایتی ماهانه حقوق یک‌میلیون‌تومانی دریافت می‌کردند و حالا متهم به پول‌شویی میلیاردی هستند. هدایتی برای شرکت‌های صوری خود نیاز به مدیرعامل داشته و از هویت و امضای این افراد استفاده می‌کرده تا تسهیلات بانکی دریافت کند. هدایتی در جلسه دادگاه دیروز اما گفته است: «من خلاف نکردم. شرکت‌هایی را معرفی می‌کردم تا تسهیلات اخذ شود، الان هم این کار مرسوم است و در روزنامه‌ها آگهی می‌شود؛ یعنی شرکت‌ها وثیقه می‌گذارند تا تسهیلات بگیرند».

تأسیس شرکت‌های کاغذی، برنگرداندن تسهیلات بانکی، سپردن وثیقه‌های زیر قیمت واقعی، تبانی با مدیران بانک سرمایه و کلاهبرداری از جمله مصادیق اتهام اخلال در نظام اقتصادی وارده بر حسین هدایتی است. در گزارش پیش‌رو با استناد به سخنان مطرح‌شده در جلسه دادگاه (به نقل از خبرگزاری میزان» و پیشینه کسب ثروت حسین هدایتی، تخلفات مالی او در نظام بانکی را مرور کرده‌ایم.

داستان یک «کارآفرین» و «خیر»

«عابربانک فوتبال»؛ این لقبی است که در دهه ۸۰ به حسین هدایتی داده شد. کسی که مبالغ میلیونی به‌عنوان کمک مالی به حساب باشگاه پرسپولیس واریز می‌کرد و باشگاه فوتبال استیل آذین تهران را تأسیس کرد. هدایتی به گفته خودش اولین فعالیت اقتصادی‌اش را در مغازه‌ای شروع می‌کند که پدرش در منطقه دولاب تهران برایش می‌خرد تا او از تولید واشر و لولاهای کابینت درآمدی کسب کند اما آن مغازه برای فعالیت اقتصادی که او در خیال خود می‌پروراند، خیلی کوچک بود. مسیر اصلی ثروتمندشدن او در جای دیگری رقم خورد. نحوه ثروتمندشدن او به ابتدای دهه۶۰ بازمی‌گردد که به‌عنوان نیروی ستادی فعالیت می‌کرد. او در آن زمان عیدی‌هایی در حد دوهزارو ۵۰۰ تومان دریافت و تمام آن پول را صرف خرید سکه، زمین و... می‌کرد. با گذشت زمان گویا قیمت برخی از زمین‌هایی که خریداری کرده بود، به چندین میلیارد تومان رسیده و همین باعث ثروتمندشدن او می‌شود. برای نمونه و به گفته خودش او زمینی را به قیمت دو میلیارد تومان خریداری کرده و سپس آن زمین را به قیمت ۳۰۰ میلیارد تومان به فروش می‌رساند. حسین هدایتی در سال‌های بعد از آن وارد عرصه‌های اقتصادی مختلفی می‌شود و بنگاه‌هایی را به نام خود می‌زند. از دارایی‌هایی که به او نسبت داده می‌شود، می‌توان به مالکیت شرکت هلدینگ استیل آذین ایرانیان، صنایع استیل آذین، شرکت خاورآذین، شرکت فجر گالوانیزه سپاهان کاشان، چندین کارخانه فولادسازی و ورق، شرکت نایبند بزرگ‌ترین شرکت پرورش میگوی ایران و نیز برج‌سازی در دوبی یا سهام‌داری بانک خصوصی تات و سهامداری در بازار مبل ایران اشاره کرد. او زمانی گفته بود تمام زندگی و سرمایه خود را مدیون مهدی شمس است. هدایتی زمانی این حرف را زده بود که نه مهدی شمس به‌عنوان متهم ردیف دوم پرونده بابک زنجانی شناسایی شده بود و نه کسی از نقش پررنگ هدایتی در تخلف‌های مالی بانک سرمایه خبر داشت.

در دی‌ماه ۹۵ بود که برای اولین بار نام هدایتی به‌عنوان بدهکار بانکی و تبانی‌کننده با هیئت‌مدیره بانک سرمایه مطرح شد. او بازداشت شد اما بازداشت او چندماهی بیشتر طول نکشید و در اردیبهشت آزاد شد. هیچ اطلاع دقیقی هم در دست نبود؛ به جز فهرستی که محمود صادقی از بدهکاران بانک سرمایه منتشر کرد. محمود صادقی، نماینده مجلس، فهرستی منتشر کرد که نشان می‌داد حسین هدایتی بین سال‌های ۹۲ تا ۹۵ حدودا هفت نوبت وام از بانک سرمایه مجموعا به مبلغ هزارو ۳۷۲ میلیارد تومان بدون وثیقه دریافت کرده است. حسین هدایتی بعد از انتشار این فهرست گفته بود: «نه من و نه هیچ‌کدام از خانواده یا شرکت‌های من از بانک سرمایه وامی نگرفته‌ایم. تسهیلات دریافتی به پروژه تجاری شهرک صنعتی و میدان صادراتی جنوب کشور مربوط می‌شود که نیمه‌کاره مانده بود. من آنها را خریدم و ۱۰ هزار شغل ایجاد کرده‌ام.» هدایتی در این جوابیه چندین بار تأکید کرده بود: «من یک کارآفرین هستم و کارخانه‌هایی را خریده‌ام که در زمان دولتی‌بودن به بانک‌ها بدهکار بودند و من حاضر شدم مسئولیت پرداخت این بدهی را بپذیرم».

حالا با گذشت چندین ماه و به جریان افتادن پرونده تخلف مالی بانک سرمایه در دادگاه، نشانه‌های سخنان هدایتی را می‌توان در آنچه در واقعیت اتفاق افتاده، جست‌وجو کرد. هدایتی می‌گفت شغل ایجاد کرده و متن اولین جلسه دادگاه او نیز تأییدکننده همین حرف است؛ او شغل ایجاد کرده اما شغل برای کسانی که یک‌میلیون تومان حقوق ماهانه از هدایتی دریافت می‌کردند و حالا متهم به جرم پول‌شویی به مبالغ بالای ۶۰ میلیارد تومان هستند.

حسین هدایتی، «کارآفرین»، ۸ شرکت صوری تأسیس کرده و در پوشش این شرکت‌ها، ۵۸۶ میلیارد تومان را در قالب قرارداد مشارکت مدنی از بانک سرمایه خارج می‌کند. او در پوشش این شرکت‌ها، افرادی را به‌عنوان مدیرعامل منصوب کرده و وجوه میلیاردی در قالب تسهیلات از بانک سرمایه دریافت می‌کرده است.

وثیقه فاقد ارزش را بانک می‌پذیرد

نام صندوق ذخیره فرهنگیان در پرونده تخلف مالی بانک سرمایه زیاد شنیده می‌شود، اما نه به‌عنوان کاسب سود بلکه به‌عنوان مال‌باخته. این صندوق که از سپرده‌گذاری فرهنگیان کشور شکل گرفته، ۴۶ درصد سهام بانک سرمایه را داشته و اکنون با بازنگشتن ۹۴ درصد از تسهیلات پرداختی این بانک، سرنوشتی مبهم برای دارندگان سپرده‌ها پیدا کرده است. هدایتی از طریق تبانی با یکی از مدیران همین صندوق ذخیره فرهنگیان توانسته مبلغی به میزان ۶۶ میلیارد تومان تحصیل کند.

طبق گفته‌های نماینده دادستان، هدایتی با مدیران بانکی بدون رعایت تشریفات اعتباری و با همکاری متهم دیگر این پرونده، یعنی مهدی موسوی‌نژاد، تبانی کرده و موسوی‌نژاد کار وثیقه‌تراشی از طریق گران نشان‌دادن آن وثیقه‌ها را برای هدایتی انجام می‌داده است.موسوی‌نژاد در سال ۹۲ با هدایتی آشنا می‌شود و در همکاری با یکدیگر، زمین‌های در مسیر جهرم به شیراز را که جنب یک کارخانه آرد بوده، در اختیار هدایتی قرار می‌دهند؛ به‌طوری‌که زمین‌هایی را که در آنجا بوده با همکاری دو کارشناس رسمی دادگستری استان فارس ۱۳ برابر قیمت واقعی قیمت‌گذاری کرده و به بانک معرفی می‌کنند. در واقع این زمین‌ها برای ایجاد دو پروژه، یکی برای جمع‌آوری «مشاغل مزاحم» و دیگری برای ایجاد بازار تره‌بار بوده‌اند، اما هیچ‌کدام از این دو پروژه هرگز عملیاتی نمی‌شوند. نماینده دادستان گفته است: «املاکی که این افراد به بانک معرفی کرده‌اند، واقعا املاک بیابانی بوده و ارزش و قیمت آن‌چنانی نداشته‌اند، اما آنها این املاک را به‌عنوان وثیقه در اختیار بانک قرار داده بودند». البته بانک سرمایه هم این وثیقه‌ها را بدون طی‌کردن مراحل کارشناسی مرسوم می‌پذیرد.

دریافتی یک میلیون، اتهام میلیاردی

موسوی‌نژاد برای این خدمت‌های خود ۲۳ میلیارد تومان از هدایتی دریافت می‌کند و البته هدایتی مبالغ دیگری را نیز برای تسهیلات کلان در اختیار او می‌گذارد که هنوز برای دادگاه میزان این مبلغ مشخص نشده است.در گذران این روند، اعضای وقت هیئت‌مدیره و قائم‌مقام و ریاست وقت شعبه مرکزی بانک سرمایه نیز می‌توانستند مصوبات و مقررات بانکی را با یک امضا در نامه‌های دستی نقض کنند و راه برای دریافت این تسهیلات هموار شود. البته این همکاری فقط در سطح مدیران بانکی باقی نمانده و در این پرونده دو نفر نیز به‌عنوان کارشناسان رسمی دادگستری استان فارس، درباره کارشناسی زمین‌های جاده جهرم به شیراز به‌عنوان وثیقه، با هدایتی همکاری کرده و گزارش خلاف واقع صادر می‌کنند.

نماینده دادستان درباره تسهیلات پرداختی این‌طور توضیح داده است: «تسهیلات پرداختی مستقیما یا غیرمستقیم به شرکت درخواست‌کننده پرداخت شده است؛ فاکتورها همه صوری بوده و اعتبارسنجی صحیحی از وضعیت شرکت‌ها انجام نشده است. عموما گواهی موضوع تبصره یک مربوط به عملکرد شرکت‌ها اخذ نشده است. اعطای تسهیلات به شرکت‌ها بیش از ۱۰ برابر سرمایه شرکت و برخلاف مقررات بانک مرکزی بوده است».

حسین هدایتی ۴۲۰ میلیارد تومان تسهیلات دریافتی در قالب «مشارکت‌های مدنی» دریافت کرده است، اما هیچ مصداقی برای مشارکت مدنی در جریان هزینه‌کرد این مبلغ کشف نشده و موجود نیست. ورود شرکت‌های کاغذی با مدیرعامل‌های صوری نیز با کمک آقای یقینی وارد پرونده می‌شود. هدایتی با او در یک میهمانی فوتبالی آشنا می‌شود و ارتباط آنها ادامه می‌یابد. یقینی با کارت‌ملی افراد، شرکت‌های صوری تأسیس می‌کرده؛ شرکت‌هایی که فاقد فعالیت اقتصادی و بازرگانی بودند، اما با عنوان «تسهیلات برای حمایت از تولید» از بانک سرمایه وام‌های کلان دریافت می‌کردند. یقینی هر شرکت را بعد از ثبت، ۹ میلیارد تومان به هدایتی می‌فروخته و مدیران آن را موظف به حضور در شرکت و شعبه بانک برای امضای قراردادهای بانکی می‌کرده است و در نهایت، هدایتی با هویت حقوقی این شرکت‌ها ۵۸۶ میلیارد تومان وام دریافت می‌کند. مدیران این شرکت‌ها چه کسانی هستند؟ خانم پهلوان یکی از این مدیرعامل‌هاست.

ادامه در صفحه ۱۵

خبر

بازگشت توسعه‌پذیرانه ظریف

● پس از گذشت یک روز از استعفای محمدجواد ظریف، حسن روحانی با استعفای ایشان موافقت نکرد و ازاین‌رو ظریف در مقام وزارت خارجه باقی ماند. افزون بر روحانی، بسیاری از مقامات داخلی و چندی از مقامات خارجی نیز از او خواسته بودند تا استعفای خود را پس بگیرد. با وجود این رفت‌وبرگشت سریع، آیا میزان توسعه‌پذیری کشور تغییری کرده است؟ دامنه چنین تأثیری، در صورت وجود، تا کجا خواهد بود؟

سیگنال توسعه‌پذیرانه: هرچند معانی ضمنی استعفای ظریف در جای خود باقی هستند و مخالفت با استعفای ایشان به معنای نفی چنان روابط و مواضعی از قبیل خدشه در تقسیم کار تخصصی سازمان‌های حاکمیتی (تفکیک قوا) نیست؛ اما حفظ ظریف در مقام وزارت خارجه سه سیگنال مهم توسعه‌پذیرانه دارد: نخست، رئیس‌جمهور نشان می‌دهد که همچنان به دنبال حفظ نسبت بیشتر کبوترها یا گونه‌های متمایل به رفتار گفت‌وگومحور، تنش‌زدا و دیپلماتیک در سیاست خارجی خود است. دوم، شهروندان ایرانی با اطمینان خاطر درباره ادامه تکثیر کبوترها در سیاست خارجی، احساس ناامنی آتی (به‌ویژه خطر ونزوئلایی‌شدن) را با احساس امنیت فکری پیش از استعفا جایگزین می‌کنند و سوم، از احتمال تنش در روابط بین‌المللی ایران کاسته می‌شود. در شرایط تضاد بین نهادهای رسمی و غیررسمی، دسترسی محدود به حقوق مالکیت، تضعیف کبوترها و توقف تکثیر آنها در بازار رقابت سیاسی، به روند توسعه‌پذیری کمک نمی‌کند؛ بلکه مانند تجربه دولت نهم و دهم و در دوران شتاب گسترده کشورهای جهان در افزایش عمق پیوند خود با فضاهای جریان، عقبگرد تاریخی بیشتری را به دنبال می‌آورد که نتیجه آن تا چند دهه هم جبران‌پذیر نخواهد بود.پیامد استعفای ظریف روی شاخص توسعه‌پذیری به اندازه ۲.۱۵- درصد بود؛ اما درصورتی‌که بازگشت ایشان به مسندش همراه با کاهش موازی‌کاری در دستگاه سیاست خارجی کشور باشد، آن‌گاه هم مقدار منفی دیروز جبران شده و هم احتمال بهبود توسعه‌پذیری از مجرای تنش‌زایی بیشتر در روابط خارجی و کاهش تقابل‌های بین‌المللی در آینده نزدیک بیشتر می‌شود.

گروه توسعه‌پذیری

خبر ویژه

جشن ۱۰سالگی مدرسه اینورس

● جشن ۱۰سالگی مدرسه اینورس، روز شنبه چهارم اسفند در پردیس قلهک برگزار شد.در این رویداد، دستاوردهای نوآورانه ۱۰ سال فعالیت تخصصی این مجموعه حرفه‌ای معرفی و از افراد تأثیرگذار در شکل‌گیری چنین بستری تقدیر شد.مدرسه اینورس، نخستین مدرسه تخصصی هنرهای دیجیتال در ایران است که با هدف ایجاد تغییر در بستر آموزشی تأسیس شده است. پس از پیشروی و رشد این مجموعه، اینورس هم‌اکنون از آموزش هنر دیجیتال فراتر رفته و آموزش علوم و هنرهای دیگر را نیز بر عهده دارد؛ به نحوی که در حال حاضر با تمرکز بر مقوله کارآفرینی و ایجاد اشتغال و بالابردن سطح کیفی بازار کار، آموزش‌هایی ویژه نیاز ایران طراحی کرده است. در حال حاضر این مجموعه ۱۰۸ مدرس داشته و بیش از هشت هزار دانشجو را پرورش داده است.از دستاوردهای این مجموعه می‌توان به طراحی نظام آموزشی جدید، برقراری ارتباط بازار کار با محیط آموزشی، تربیت نیروی‌ها مورد نیاز بازار کار، آموزش رفتار حرفه‌ای، انجام فعالیت‌های کارآفرینانه، افتتاح مدرسه فشن اینورس و نوآوری در عرصه مد و پوشاک اشاره کرد.

امضای قراردادهای کمک بلاعوض دولت ژاپن به پروژه‌های تأمین نیازهای اولیه انسانی

● دو قرارداد کمک بلاعوض دولت ژاپن به پروژه‌های تأمین نیازهای اولیه انسانی یا GGP به مبلغ کل ۵۵۵۹۱ یورو بین سازمان‌های غیردولتی و جناب آقای میتسوگو سایتو، سفیرکبیر ژاپن در جمهوری اسلامی ایران، درخصوص حمایت از معیشت کودکان بی‌سرپرست و زنان آسیب‌پذیر در ۶ اسفند ۱۳۹۷ به امضا رسید.این پروژه‌ها حمایت مردم ژاپن از مردم ایران بوده و همچنین دلیل محکمی بر اثبات روابط دوستانه دو کشور است.سفارت ژاپن آرزو دارد که این حمایت برخاسته از احساس قلبی مردم ژاپن برای تعمیق و گسترش دوستی، به دست مردم نیازمند کشور برسد و آرزوی موفقیت کامل این دو پروژه به شرح ذیل را دارد:

۱) قرارداد کمک مالی بلاعوض به مبلغ ۳۲۶۷۵ یورو به مؤسسه خیریه مرکز نگهداری از کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست اردبیل درخصوص «پروژه تجهیز مرکز نگهداری از کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست استان اردبیل».

۲) قرارداد کمک مالی بلاعوض به مبغ ۲۲۹۱۶ یورو به مرکز خیریه حمایت از زنان و خانواده‌های آسیب‌پذیر درخصوص «پروژه تجهیز کارگاه جهت زنان آسیب‌پذیر استان زنجان».